

تعاون، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای تولیدی

دکتر کوروش روستا^۱، الهام تاجریزی^۲، دکتر اسداله زمانی پور^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۲۹

چکیده

هویت دادن به زنان، استقلال بخشیدن به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی- اجتماعی عامل مهمی در انگیزش بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولیدی اجتماعی است. یکی از مؤثرترین راهکارها که بستر لازم را برای رشد شخصیتی و ارتقای توانمندیهای ذهنی و فکری زنان مهیا می‌کند و موجب مشارکت فعال آنها در فعالیتهای گروهی می‌گردد، فعالیت در قالب تعاونیهاست. تعاونیها می‌توانند با ارتقای دانش و ظرفیتهای علمی زنان، آنان را توانمند سازند و با آموزش اصول توسعه مشارکتی، تدریس روشهای تصمیم‌گیری گروهی و پرورش اعتماد به نفس، به آنها خدمت مؤثری نمایند. در همین راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

e-mail:roosta_kuroush@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

۳. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

تولیدی در استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۶ انجام شده است. این مطالعه به روش پیمایشی صورت گرفته و از نوع اکتشافی- توصیفی بوده است. جامعه آماری تحقیق ۲۴۹۱ نفر از زنان روستایی عضو تعاونیهای تولیدی را در بر می گیرد. تعداد ۳۳۳ نفر از این جامعه به روش نمونه گیری طبقه ای متناسب انتخاب و مطالعه شدند. نتایج تحلیل همبستگی تحقیق حاضر نشان داد که بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی- عملکردی تعاونیها و میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تعاونی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین میزان وابستگی زنان روستایی به همسرانشان و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی رابطه منفی معنی دار مشاهده شد. نتایج آزمون مقایسه میانگین t نشان داد که بین مشارکت زنان روستایی سرپرست خانوار و زنان روستایی تحت تکفل با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معنی داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها:

مشارکت، عضویت در تعاونی، تعاونی زنان روستایی

مقدمه

تجربه نشان می دهد که طرحهای توسعه پایدار همه جانبه، از طریق برنامه هایی که به نیازهای ملی از طریق مشارکتهای منطقه ای و محلی پاسخ می دهد، اثربخش خواهد بود. در این برنامه ها زنان و مردان در امر سیاستگذاری و روند مدیریت مشارکت دارند. لذا چنین به نظر می رسد که زمان آن فرارسیده است تا نیمه فراموش شده جمعیت جهان بتوانند در سرمایه گذاری برای توسعه سهم خویش را به دست بیاورند و اجازه یابند در فرایند توسعه، مشارکتی کاملتر داشته باشند.

از این رو توجه به نقش گسترده زنان روستایی در فرایند توسعه از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. زنان روستایی نه تنها نیروی عمده ای در ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر رشد تولیدات مواد غذایی به شمار می روند،

بلکه دارای نقش اساسی در ابعاد فرهنگی و معنوی این تحولات و پیشرفت‌ها می‌باشند. شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان روستایی ایران در طی سده‌های گذشته در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و از آن جمله در فعالیتهای تعاونی و یاریگری نسبت به یکدیگر و نسبت به کل جامعه فعالیتهای چشمگیری داشته‌اند که از دید روشنفکران و پژوهشگران غالباً دور مانده است. این گروهها در سازمانهای غیر رسمی یاریگر، در زمینه‌های اقتصادی و در تولید محصولات کشاورزی، دامداری، باغداری، بافندگی و صنایع دستی و همچنین در زمینه‌های اجتماعی فعال بوده‌اند، اما با این حال متأسفانه در تشکلهای جدید از جمله تعاونیهای تولیدی مشارکت کم رنگ و ناچیز داشته‌اند. در تبیین این مسئله، مطالعات مختلفی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

کمسیون کشاورزی اروپا در گزارشی تحت عنوان "مشارکت زنان روستایی در فرایند تصمیم‌گیری در ارمنستان" به بررسی موانع احتمالی مشارکت زنان روستایی پرداخته و بر نقش سازمانهای غیر دولتی در زمینه افزایش مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه تأکید کرده است (Gabayan, 1998).

فائو نیز با انتشار گزارش راهنمای مروجان در زمینه مشارکت برای توسعه محلی در سال ۲۰۰۳، به تبیین شیوه‌های آموزشی جهت گسترش مشارکت از طریق تغییر در رفتار اجتماعی، افزایش آگاهیهای عمومی در زمینه منافع مشارکت و ایجاد ظرفیتهای جدید از جمله افزایش نقش سازمانهای دولتی روستایی پرداخته است (Jain, 2003).

علیرضا نژاد (۱۳۷۳) در مطالعه‌ای با عنوان "مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی" به بررسی آثار حاصل از ورود تکنولوژی بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با ورود تکنولوژی و تسلط کشت تجاری در منطقه مورد مطالعه، از میزان فعالیت زنان کاسته شده است. این در حالی است که در شیوه کار زنان روستایی تغییر ایجاد نشده و تکنولوژی بیشتر بر کمیت کار زنان تأثیر گذاشته است. با ورود تکنولوژی به حیطه‌های کار زنان، موجبات انتقال

این وظایف به حوزه فعالیتهای مردانه فراهم شده است که دلیل عدم مشارکت فعال زنان در این گونه برنامه‌ها، ناآشنایی آنها با شیوه‌های نوین کشاورزی است (علی رضا نژاد، ۱۳۷۳).

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد با تأکید کارشناسان بر توسعه یکپارچه روستایی و به دنبال آن نقش مشارکت روستاییان و به ویژه زنان روستایی در روند توسعه، نحوه و دامنه فعالیت زنان در امور روستایی به شکل عام و در فعالیتهای کشاورزی به طور اخص به گونه ای مشهود مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر نیز این مقوله برای سازمانها و برنامه‌ریزان امور توسعه از اولویت خاصی برخوردار است؛ چرا که زنان روستایی علاوه بر اینکه حدود نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند، به عنوان نیروی انسانی قابل توجه، نقش اساسی در تولید محصولات کشاورزی و غذایی و به طور کلی در فعالیتهای مختلف رایج در روستا دارند به گونه‌ای که ۴۰ درصد از نیروی کار بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند و ۵۰ درصد از فعالیتهای مربوط به تولیدات کشاورزی به وسیله آنها انجام می‌شود، ضمن اینکه در تمام مراحل پرورش دام نقش بسزایی داشته‌اند و ۷۵ درصد تولیدات صنایع دستی کشور نیز توسط آنها تولید می‌شود (آجیلی و دانایی، ۱۳۸۴).

با این همه به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زنان برقرار نشده است (شادی طلب، ۱۳۸۲) و مشارکت آنان در ابعاد مختلف به لحاظ برخی از تنگناهای ساختاری حاکم بر مناطق روستایی، با موانع و مشکلاتی روبه روست.

متأسفانه نقش زنان در توسعه روستایی از شرایط حاکم بر جامعه روستایی نیز تبعیت می‌کند. از یک سو موانع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و از سوی دیگر باورهای اجتماعی مانع گسترش مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. علاوه بر این، عدم دسترسی زنان به منابع مولدی همچون زمین، سرمایه، ابزار تکنولوژیکی و آموزش مناسب نیز همواره مانع مشارکت مطلوب آنها در امر توسعه شده است (گودرزی، ۱۳۷۸). این در حالی است که در اعلامیه و برنامه کار کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و

توسعه روستایی آمده است " زنان باید همگام و همپای مردان در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه روستایی سهیم و شریک باشند و به طور کامل در بهبود وضع زندگی ساکنان مناطق روستایی، ایفای نقش نمایند" (پور طرق، ۱۳۸۰).

در همین راستا در ایران نیز در چند سال اخیر دفتر مخصوص زنان روستایی در وزارت جهاد کشاورزی دایر شده است که کار آن اساساً تجزیه و تحلیل مستمر طرحها و سیاستهای جاری مرور توسعه در راه دسترسی زنان به منابع تولید و حقوق اجتماعی است؛ اما به واسطه محدودیت مطالعات انجام یافته در این زمینه و در نتیجه، ناشناخته ماندن جنبه ها و ابعاد گوناگون مشارکت و فعالیت زنان روستایی در ایران، اقدامات انجام یافته در این زمینه توسط سازمانهای دولتی نتوانسته آن طور که باید تحولی قابل توجه ایجاد نماید. با توجه به اینکه بررسی مسائل زنان روستایی هم از جنبه جمعیت شناختی (نظیر سن پایین باروری، مسائل خانواده و....) است (Ugbomeh, 2001) و هم به واسطه شرایط اجتماعی - اقتصادی (نظیر فرصتهای نابرابر شغلی، تحصیلی، مقررات تبعیض آمیز، خشونت، فقر اقتصادی و فرهنگی) دارای مسائل خاص خود است، بنابراین نیاز به توجه ویژه دارد (Mahmoudian, 2006).

مرور مطالعات صورت گرفته نشان می دهد علی رغم اهمیت نقش زنان و مشارکت آنها در فرایند توسعه روستایی، متأسفانه مشارکت آنها با تنگناها، موانع، مشکلات و محدودیتهای زیادی مواجه است و این مسئله استفاده از پتانسیل زنان روستایی در برنامه های توسعه روستایی را به امری پیچیده و بغرنج مبدل ساخته است که خارج شدن از آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد.

برای شناخت بهتر و حل امور پیشگفته، انجام پژوهشهای مستقل که بازگو کننده مسائل و شرایط واقعی زنان و نوع فعالیت و مشارکت آنان در زمینه های مختلف و راهبردهای بهبود آینده و پیشگیری از مشکلات احتمالی باشد، الزامی است. در این زمینه مطالعه موردی در محدوده استان خراسان جنوبی که روستاهای آن در معرض ناپایداریهای مختلف طبیعی - اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، می تواند راهگشای مناسبی جهت تعیین بسترها، موانع

و پیامدهای مشارکت و آثار آن بر بهره‌وری و ایجاد زمینه‌های لازم برای نهادینه شدن توسعه روستایی در این استان به حساب آید. از این رو تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای تولیدی استان خراسان جنوبی صورت پذیرفته است.

روش تحقیق

این مطالعه به روش پیمایشی در سال ۱۳۸۶ انجام شده و از نوع اکتشافی - توصیفی بوده است (خاکی، ۱۳۸۴). از آنجا که در زمینه موضوع پژوهش، تحقیقات میدانی اندکی صورت گرفته و در محدوده مورد مطالعه، مدارک و اسنادی در زمینه انجام چنین پژوهشی وجود ندارد می‌توان امید داشت انجام چنین تحقیقاتی زمینه درک علمی و شناخت واقع بینانه تری از نقش مشارکتی نیمه پنهان و غالباً در حاشیه "زنان روستایی" را فراهم آورد. جامعه آماری این تحقیق را زنان عضو تعاونیهای روستایی خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۵ تشکیل داده‌اند. از این جامعه (۲۴۹۱ نفر)، ۳۳۳ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب در سطح استان خراسان جنوبی به عنوان نمونه‌های آماری انتخاب و مطالعه شدند (منصورفر، ۱۳۷۶).

برای تهیه اطلاعات مورد نیاز از زنان روستایی، بر اساس مطالعه سوابق گذشته، مصاحبه و مشاهده در مناطق مورد مطالعه، پرسشنامه‌ای طراحی شد و روایی آن توسط پانل متخصصان (کارشناسان تعاون روستایی، مدیران عامل تعاونیهای روستایی، کارشناسان دفتر امور زنان، متخصصان و استادان دانشگاه) بررسی و تأیید گردید. آزمون مقدماتی برای تعیین پایایی پرسشنامه (۳۰ پرسشنامه تکمیل و مورد تحلیل قرار گرفت) انجام گرفت و بر اساس آن ضریب آلفای کرونباخ در نتیجه تغییراتی چند در گویه‌های پرسشنامه برای سنجش عوامل اقتصادی معادل ۰/۸۴، عوامل اجتماعی ۰/۷۸ و عوامل ساختاری - عملکردی ۰/۸۰ محاسبه شد. متغیر وابسته این تحقیق نیز مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تعاونی بوده است.

جهت تعیین شاخص مشارکت^۱ از رابطه زیر (تاجریزی، ۱۳۸۶) استفاده شد که ترکیبی از معیارهای سابقه عضویت در تعاونی، میزان سهام، شرکت در مجامع عمومی و کلاسهای

1. Participation Index

آموزشی- ترویجی و عضویت در هیئت مدیره بوده است. در این رابطه هر یک از متغیرهای ذکر شده براساس وزنشان در سنجش متغیر وابسته مشارکت دخالت داده شدند:

$$PI = \frac{\sum [(fx_1) + (fx_2) + (2fx_3) + (2fx_4) + (2fx_5)]}{8} \times 100$$

PI = میزان مشارکت

FX₁ = فراوانی نسبی سابقه عضویت در تعاونی

FX₂ = فراوانی نسبی میزان سهام فرد در تعاونی

FX₃ = فراوانی نسبی شرکت در مجامع عمومی تعاونی

FX₄ = فراوانی نسبی شرکت در کلاسهای آموزشی تعاونی

FX₅ = عضویت در هیئت مدیره

متغیرهای مستقل پژوهش شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، ویژگیهای ساختاری- عملکردی و ویژگیهای شخصی بوده است که هر یک به ترتیب با ۷، ۸، ۴ و ۱۰ سؤال براساس طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته اند.

نتایج و بحث

توصیف جامعه مورد مطالعه

ویژگیهای فردی مورد سنجش در مقیاس کمی

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین سن زنان روستایی مورد مطالعه ۳۸ سال، میانگین تحصیلات آنان ۷/۵ سال، متوسط درآمد ماهانه زنان عضو تعاونی ۱۹۷۸۳۱۳ ریال، متوسط تعداد افراد خانوار در جامعه مورد مطالعه ۵ نفر و فاصله محل زندگی آنها از تعاونی عضو آن به طور متوسط ۱/۵ کیلومتر بوده است (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی ویژگیهای فردی زنان روستایی عضو تعاونیها

متغیرها	میانگین	بیشترین فراوانی	حداقل	حداکثر
سن (سال)	۳۸	۲۵ - ۳۰ سال	۱۳	۹۰
تحصیلات (سال)	۷/۵	ابتدایی	۰	۱۶
درآمد ماهانه (ریال)	۱۹۷۸۳۱۳	۱۵۰۰۰۰ - ۱۹۹۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰
بعد خانوار (نفر)	۵	۱	۱۲	۹-۷
فاصله محل زندگی تا تعاونی (کیلومتر)	۱/۵	۰	۱۲	کمتر از یک کیلومتر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگیهای فردی مورد سنجش در مقیاس کیفی

در جامعه مورد بررسی تعداد افراد متأهل ۲۶۷ نفر بودند که ۸۰/۱۸ درصد جامعه را تشکیل می‌دادند. از افراد جامعه مورد مطالعه ۹/۶ درصد (۳۲ نفر) سرپرستی خانواده خود را به عهده داشتند (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع فراوانی وضعیت تأهل و سرپرستی خانوار

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد
وضعیت تأهل	مجرد	۶۶	۱۹/۸۱
	متأهل	۲۶۷	۸۰/۱۸
سرپرستی خانوار	بلی	۳۲	۹/۶
	خیر	۳۰۱	۹۰/۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نوع رابطه اعضا با تعاونی تولیدی

به منظور پی بردن به نوع رابطه اعضا با تعاونیها نیز از چهار متغیر خرید از فروشگاه تعاونی، فروش محصول به تعاونی، شرکت در کلاسهای آموزشی برگزار شده توسط تعاونی و دریافت وام از تعاونی استفاده شد.

نتایج تحقیق نشان داد که حدود ۸۶ درصد افراد (۲۸۷ نفر) مورد مطالعه از طریق شرکت در کلاسهای آموزشی با تعاونی ارتباط دارند که خود گویای سهم و نقش آموزش در ترغیب زنان روستایی برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی است. بعد از آن خرید از فروشگاه تعاونی، دریافت وام از تعاونی و فروش محصول به تعاونی به ترتیب دارای سهم بیشتری در برقراری ارتباط زنان روستایی با تعاونیها می باشند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی نوع رابطه اعضا با تعاونیها

دریافت وام از تعاونی		شرکت در کلاسهای برگزار شده		فروش محصول به تعاونی		خرید از فروشگاه تعاونی		رابطه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۹/۰۳	۱۳۰	۸۶/۱۸	۲۸۷	۲۸/۵۲	۹۵	۷۱/۷۷	۲۳۹	بلی
۶۰/۹۶	۲۰۳	۱۳/۸۱	۳۶	۷۱/۴۷	۲۳۸	۲۸/۲۳	۹۴	خیر
۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

انگیزه زنان برای عضویت در تعاونی تولید

برای پی بردن به انگیزه و هدف زنان روستایی از عضویت در تعاونیهای تولیدی زنان، از آنها خواسته شد که مشخص نمایند برای عضویت در تعاونی بیشتر تحت تأثیر کدام یک از سه کارکرد تعاونیها (کسب درآمد، افزایش مهارت و توانایی و کسب منزلت اجتماعی) قرار گرفته اند.

نتایج پژوهش نشان داد که ۷۰/۵۷ درصد (۲۳۵ نفر) از افراد مورد مطالعه بیان کردند که به منظور افزایش مهارت و تواناییهای خود در زمینه کاری به عضویت تعاونی درآمده اند. پس از این متغیر، انگیزه کسب و کار و کسب منزلت اجتماعی در اولویتهای بعدی برای جذب زنان روستایی در تعاونی قرار داشتند (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع فراوانی هدف و انگیزه اصلی عضویت اعضا در تعاونی

پاسخ	انگیزه		کسب و کار		افزایش مهارت و توانایی		کسب منزلت اجتماعی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بلی	۲۲۵	۶۷/۵۶	۲۳۵	۷۰/۵۷	۱۶۷	۵۰/۱۵	۱۶۶	۴۹/۸۵
خیر	۱۰۸	۳۲/۴۳	۹۸	۲۹/۴۲	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰
جمع	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰	۳۳۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین میزان سهام اعضای تعاونی تولید

یکی از شاخصهایی که برای سنجش مشارکت استفاده شده است، میزان سهام افراد مورد مطالعه می‌باشد. بررسی میزان سهام افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۱۵۹ نفر (۴۷/۷ درصد) کمتر از ۱۰ سهم و ۱۹ نفر (۵/۷۰ درصد) بین ۳۰ - ۳۹ سهم دارند که به ترتیب بیشترین و کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. به طور کلی ۷۷ درصد (۲۵۴ نفر) از افراد مورد مطالعه کمتر از ۳۰ سهم دارا می‌باشند (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع فراوانی میزان سهام اعضا

میزان سهام	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی
کمتر از ۱۰ سهم	۱۵۹	۴۷/۷	۴۷/۸۹
۱۰ - ۱۹ سهم	۴۰	۱۲/۰۱	۵۹/۹۳
۲۰ - ۲۹ سهم	۵۵	۱۶/۵۲	۷۶/۵۰
۳۰ - ۳۹ سهم	۱۹	۵/۷۰	۸۲/۲۲
بیشتر از ۴۰ سهم	۶۰	۱۸/۴	۱۰۰
جمع	۳۳۳	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل همبستگی

عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیها

در این بخش از تحقیق تلاش شده است سازه‌های اثرگذار بر میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیهای تولیدی زنان (که از طریق مطالعه ادبیات موضوع، جستجو در تجارب و

مصاحبه و مشاهده در جامعه مورد مطالعه به دست آمده بود) مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس فاکتورهای به دست آمده در قالب سه موضوع تحت عنوان عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی - فرهنگی و عوامل ساختاری - عملکردی در اختیار افراد مورد مطالعه قرار گرفت و از آنها خواسته شد که نظر خود را در باره هر یک از متغیرهای سه عامل فوق بیان دارند.

عوامل اقتصادی

نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که از بین تبیین کننده های اقتصادی میزان مشارکت زنان روستایی، از دیدگاه زنان روستایی افزایش تولید محصولات کشاورزی مهمترین و مؤثرترین عامل برای عضویت و مشارکت زنان در تعاونیهای مورد نظر است، در حالی که رضایتمندی از قیمت خرید محصولات توسط تعاونیها در اولویت پایین جدول قرار گرفته است و بیانگر تأثیر کم رنگ آن در میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیها از دیدگاه زنان می باشد (جدول ۶).

جدول ۶. توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره عوامل اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی

عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان	گویه									
	خیلی زیاد		زیاد		تا حدی		کم		خیلی کم	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	
افزایش تولید محصول	۱۱۴	۳۲/۲	۸۶	۲۵/۸	۸۰	۲۴	۲۳	۹/۹	۸	۲/۴
ثبات و امنیت شغلی	۷۷	۲۲/۱	۹۶	۲۸/۸	۸۹	۲۶/۷	۵۹	۱۷/۷	۱۱	۳/۳
کسب در آمد	۷۵	۲۲/۵	۱۰۴	۳۱/۴	۸۶	۲۵/۸	۵۱	۱۵/۳	۱۷	۵/۱
تنظیم دخل و خرج زندگی	۴۴	۱۹/۲	۱۱۵	۳۴/۵	۹۷	۲۹/۱	۴۰	۱۲	۱۷	۵/۱
بازاریابی محصولات کشاورزی و مصنوعات خانگی	۳۲	۹/۶	۱۲۸	۳۸/۴	۱۰۲	۳۰/۶	۵۴	۱۶/۲	۱۵	۴/۵
رضایتمندی شغلی	۲۸	۸/۴	۱۱۱	۳۲/۳	۹۹	۲۹/۷	۵۰	۱۵	۱۰	۳
رضایتمندی از قیمت خرید محصولات	۲۳	۱۲/۹	۸۹	۲۶/۷	۸۶	۲۵/۸	۶۰	۱۸	۱۲	۳/۶

مأخذ: یافته های تحقیق

عوامل اجتماعی - فرهنگی

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد که از بین تبیین کننده‌های اجتماعی - فرهنگی مشارکت زنان روستایی، میل و رغبت افراد برای پیوستن به تعاونیها مهمترین عامل اجتماعی - فرهنگی محرک مشارکت بوده و نقش باور مردم روستا در مورد کار بیرون از خانه و باور مردان در مورد توان مدیریتی زنان در زمینه مشارکت افراد مورد مطالعه کم‌رنگ بوده است (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع فراوانی دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر

مشارکت زنان روستایی

انحراف معیار رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	گروه						عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان				
		خیلی زیاد		زیاد		تا حدی						
		درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی					
۰.۹۰	۲/۱۷	۰.۳	۱	۵/۷	۱۹	۱۲/۲	۳۸	۳۲/۵	۱۱۵	۲۲/۲	۱۲۸	میل و رغبت در پیوستن به تعاونی
۱/۰۴	۳/۸۸	۰.۹	۳	۹/۹	۳۳	۱۷/۶	۹۲	۲۲/۱	۷۷	۲۸/۲	۱۲۸	میزان تمهید به حضور در مجمع عمومی
۱/۰۴	۳/۲۵	۰.۹	۳	۱۲/۷	۴۹	۲۹/۱	۹۷	۲۷/۶	۹۲	۲۷/۳	۹۱	ارتقای منزلت و پایگاه اجتماعی
۱/۰۳	۳/۲۹	۱/۸	۴	۱۲/۶	۴۲	۳۰/۹	۱۰۳	۳۱/۵	۱۰۵	۲۲/۱	۷۷	افزایش استقلال و خود باوری
۰.۷۶	۲/۱۷	۰.۳	۱	۱/۲	۴	۱۵/۱	۵۰	۲۹/۲	۱۵۲	۲۲	۱۲۳	همبازی زنان و مردان روستایی در حرسه فعالتهای اقتصادی
۱/۰۵	۲/۸۳	۰.۹	۳	۱۰/۲	۳۳	۱۵/۹	۵۳	۳۰/۵	۹۲	۲۹/۰۲	۸۶	نظر شوهر در مورد کار بیرون از خانه
۱/۰۳	۲/۵۵	۲/۲	۸	۱۷/۷	۵۹	۱۷/۲	۵۸	۲۲/۸	۱۵۶	۱۵/۶	۵۲	باور مردم روستا در مورد کار بیرون از خانه
۱/۰۳	۲/۵۲	۱/۸	۴	۱۸/۹	۶۳	۱۷/۲	۵۸	۲۷/۱	۱۵۷	۱۲/۷	۴۹	باور مردان در مورد توان مدیریتی زنان

مأخذ: یافته‌های تحقیق

عوامل ساختاری - عملکردی تعاونیها

اطلاعات به دست آمده از تحقیق در زمینه سازه‌های ساختاری - عملکردی تبیین کننده مشارکت زنان روستایی حکایت از آن دارد که از دیدگاه زنان روستایی مهمترین عامل ساختاری - عملکردی مؤثر بر مشارکت و عضویت افراد در تعاونی نحوه مدیریت تعاونی (عملکرد هیئت مدیره و به ویژه شخص مدیر عامل) می باشد. این در حالی است که از دیدگاه آنان انطباق نوع فعالیت تعاونی با اقتصاد خانوار تأثیر کمتری در مشارکت آنان در تعاونیها داشته است (جدول ۸).

جدول ۸. توزیع فراوانی دیدگاه افرادمورد مطالعه درباره عوامل ساختاری- عملکردی مؤثر بر مشارکت

انحراف میانگین رتبه ای معیار رتبه ای	عوامل ساختاری - عملکردی مؤثر بر مشارکت زنان	گروه								
		خیلی زیاد		زیاد		تا حدی کم				
		درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	خیلی کم	درصد فراوانی			
۱۰۶	نقش مدیریتی معاونها در جلب مشارکت	۲۸/۷	۹۳	۲۷/۹	۷۳	۲۱/۹	۲۳	۹/۹	۵	۱/۵
۸۴	میزان نیاز به امتیازات ناشی از عضویت	۱۲/۱	۲۷	۲۲/۶	۹۷	۲۹/۱	۶۵	۱۹/۵	۱	۰/۳
۸۷	میزان رضایتمندی از نحوه هدایت تعاونی	۱۵/۶	۱۱۷	۲۵/۱	۱۱۱	۲۳/۳	۲۸	۱۲/۲	۵	۱/۵
۸۴	اطلاق فعالیتها با اقتصاد خانواده	۲۲/۵	۱۱۵	۲۲/۵	۱۲۸	۲۱/۲	۵۳	۱۵/۹	۱	۰/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین رابطه بین ویژگیهای زنان روستایی مورد مطالعه و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی

به منظور تعیین اهمیت و جایگاه هر یک از ویژگیهای فردی افراد مورد مطالعه و تعیین نوع رابطه و میزان تأثیر هر یک از آنها در میزان مشارکت زنان روستایی، از ضرایب همبستگی استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان درآمد خانواده، میزان تحصیلات عضو و میزان تحصیلات همسر با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی دار و بین فاصله محل زندگی عضو تا تعاونی و میزان مشارکت افراد رابطه منفی و معنی دار در سطح ۱ درصد برقرار است. بین متغیرهای تعداد افراد خانواده و سن افراد مورد مطالعه و میزان مشارکت رابطه ای مشاهده نشد (جدول ۹).

جدول ۹. نتایج حاصل از همبستگی بین ویژگیهای فردی زنان روستایی و میزان مشارکت آنها در تعاونیها

متغیر	r	p
میزان درآمد خانوار	۰/۴۴۵	۰/۰۰
میزان تحصیلات همسر (مرد)	۰/۴۰۴	۰/۰۰
میزان تحصیلات عضو (زن)	۰/۳۱۱	۰/۰۰
فاصله محل زندگی تا تعاونی	-۰/۲۳۰	۰/۰۰
تعداد افراد خانوار	۰/۰۴۹	۰/۴۰۵
سن	۰/۰۶۵	۰/۲۳۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین رابطه بین دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه درباره عوامل اقتصادی تعاونیها و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین کلیه متغیرهای مربوط به فعالیتهای اقتصادی تعاونیهای تولیدی زنان و میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این در حالی است که متغیر افزایش میزان تولید محصول دارای بزرگترین ضریب همبستگی و کسب درآمد از طریق تعاونی دارای کمترین ضریب همبستگی می‌باشد (جدول ۱۰). به طور کلی این یافته نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی تعاونیها نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تعاونی دارد.

جدول ۱۰. نتایج حاصل از همبستگی بین فعالیت اقتصادی تعاونیها و میزان مشارکت

زنان روستایی

متغیر اول	r	p
افزایش محصول	۰/۶۵۵	/۰۰
بازاریابی محصولات کشاورزی و مصنوعات خانگی	۰/۶۵۰	۰/۰۰
تنظیم دخل و خرج زندگی	۰/۶۴۹	۰/۰۰
ثبات و امنیت شغلی	۰/۶۱۶	۰/۰۰
رضایتمندی از قیمت خرید محصولات توسط تعاونیها	۰/۶۰۸	۰/۰۰
رضایتمندی شغلی	۰/۵۸۹	۰/۰۰
کسب درآمد	۰/۵۷۳	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین رابطه بین دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه درباره عوامل اجتماعی - فرهنگی تعاونیها و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی

نتایج به دست آمده از جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بین کلیه عوامل اجتماعی - فرهنگی تعاونیها و میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونیها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. میزان

استقلال و خودباوری افراد مورد مطالعه دارای بیشترین ضریب همبستگی و احساس رضایت و خشنودی افراد از نتیجه کار دارای کمترین مقدار ضریب همبستگی می باشد.

جدول ۱۱. نتایج حاصل از همبستگی بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و میزان

مشارکت زنان روستایی

متغیر اول	r	p
افزایش استقلال و خود باوری	۰/۶۷۳	۰/۰۰
میزان تعهد به حضور در مجمع عمومی	۰/۶۳۴	۰/۰۰
باور مردم در مورد فعالیت خارج از منزل زنان	۰/۶۱۲	۰/۰۰
باور مردم در مورد توان مدیریتی زنان	۰/۶۰۵	۰/۰۰
میل و رغبت در پیوستن به تعاونیها	۰/۵۹۸	۰/۰۰
همیاری زنان و مردان روستایی	۰/۵۷۶	۰/۰۰
ارتقای منزلت و پایگاه اجتماعی	۰/۵۵۸	۰/۰۰
نظر شوهر در مورد کار خارج از منزل	۰/۵۵۲	۰/۰۰
احساس رضایت و خشنودی از نتیجه کار	۰/۵۱۴	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین رابطه بین دیدگاه زنان روستایی مورد مطالعه درباره عوامل ساختاری - عملکردی

تعاونیها و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی

نتایج تعیین اهمیت و جایگاه هر یک از متغیرهای عامل ساختاری - عملکردی تعاونیها

در میزان مشارکت افراد مورد مطالعه در تعاونیها نشان داد که هر چهار عامل ساختاری -

عملکردی بر میزان مشارکت افراد در تعاونیها اثر مثبت داشته و بیشترین میزان اثر مربوط به

رضایتمندی از نحوه عملکرد تعاونی و کمترین آن مربوط به اعتبارات و وامهای اعطایی بوده

است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. نتایج حاصل از همبستگی بین عوامل ساختاری - عملکردی تعاونیها و میزان

مشارکت زنان

متغیر اول	r	p
رضایتمندی از نحوه عملکرد تعاونیها	۰/۵۲۷	۰/۰۰
نحوه مدیریت تعاونیها در جلب مشارکت	۰/۵۱۹	۰/۰۰
انطباق فعالیتهای تعاونی با اقتصاد خانوار	۰/۴۹۸	۰/۰۰
نیاز به اعتبارات و وامهای اعطایی	۰/۲۳۴	۰/۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون مقایسه میانگینها

به منظور سنجش تفاوت مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تعاونی تولید بر اساس متغیر وضعیت تکفل و وضعیت تأهل از آزمون t استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که بین میزان مشارکت زنان روستایی سرپرست خانوار و زنان روستایی تحت تکفل تفاوت معنی داری وجود دارد بدین معنی که مشارکت افراد تحت تکفل در فعالیتهای تعاونی بیشتر بوده است. همچنین یافته‌های تحقیق در مورد متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان روستایی مجرد در فعالیتهای تعاونی بیشتر از زنان متأهل می‌باشد بدین معنی که با ۹۹ درصد اطمینان، بین وضعیت تأهل و مشارکت افراد در فعالیتهای تعاونی تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. نتایج مقایسه میانگین میزان مشارکت زنان روستایی بر اساس متغیرهای وضعیت

تأهل و وضعیت تکفل

متغیرها	گروهها	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
وضعیت تأهل	مجرد	۶۸/۵۵	۴۱/۲۹۸	۲/۲۵۴	۳۳۱	۰/۰۲۵
	متأهل	۸۱/۵۳۹	۴۲/۹۳۵			
وضعیت تکفل	سرپرست خانوار	۶۰/۱۳۶	۳۹/۸۲۵	۲/۶۲	۳۳۱	۰/۰۰۹
	تحت تکفل بودن	۸۰/۸۳۷	۴۲/۷۵۸			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

این یافته‌ها حکایت از آن دارد که به دلیل مشغله‌های کاری و فکری افراد سرپرست خانوار و افراد متأهل، امکان مشارکت آنها در فعالیتهای تعاونی کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مشاهدات و یافته‌های تحقیق مبین عدم سنخیت حیطه فعالیتهای شرکتی تعاونی زنان با فعالیتهای اقتصادی خانوار می‌باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سازوکارهای مناسب به منظور انطباق فعالیتهای تعاونیها با ویژگیهای جغرافیایی و معیشتی مناطق مختلف با توجه به تنوع فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در استان به منظور تقویت میزان مشارکت و ارتقای سطح بهره‌وری به کار گرفته شود.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد بین فاصله محل سکونت اعضا با میزان مشارکت آنها رابطه معکوس وجود دارد. همچنین پراکنش تعاونیها در پهنه استانی نیز نامناسب است. لذا با توجه به اینکه اعضای این تعاونیها زنان روستایی هستند که در تردد با مشکلات زیادی مواجهند، پیشنهاد می‌شود تعاونیهای زنان روستایی بر اساس اصول و ضوابط علمی (از جمله روشهای تحلیل منطقه‌ای، مدل‌های مکان مرکزی و) به منظور افزایش حوزه نفوذ تعاونیها و تحت پوشش قرار گرفتن بخش قابل قبولی از نقاط و جمعیت روستایی، مکان‌یابی گردند.

با توجه به وجود رابطه مستقیم بین سطح تحصیلات با میزان مشارکت پیشنهاد می‌شود به آموزش دختران و زنان روستایی به منظور افزایش سطح آگاهی و روحیه خودباوری برای افزایش میزان مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی توجه خاصی مبذول گردد.

نظر به کارایی کلاسهای آموزشی تعاونیها در رفع نیازهای آموزشی اعضا، به برگزاری کلاسهای آموزشی در راستای نیازهای واقعی زنان روستایی و تمرکز بر آموزش مهارتهای شغلی متناسب با فعالیتهای اقتصادی خانوار روستایی توجه بیشتری گردد.

با توجه به ضعف تعاونیها در بازاریابی محصولات کشاورزی و مصنوعات خانگی اعضای تعاونیها، پیشنهاد می شود سازوکاری مناسب جهت برقراری ارتباط شبکه‌ای تعاونیهای روستایی با بازار مصرف به منظور بازاریابی محصولات کشاورزی و مصنوعات خانگی اعضا و ایجاد پیوندهای اقتصادی و تعیین بازارهای هدف برای تعاونیها به منظور تقویت بنیانهای مالی و اقتصادی خانوارهای روستایی اتخاذ گردد.

نظر به اینکه افراد متأهل یا سرپرست خانوار مشارکت کمتری در فعالیتهای تعاونی دارند، پیشنهاد می شود فعالیتهای تعاونی به گونه‌ای برنامه ریزی شود که بتوان از وقت و نیروی این افراد حداکثر بهره را برد.

منابع

۱. آجیلی، عبدالعظیم و میترا دانایی (۱۳۸۴)، مروری بر تنگناهای مشارکتی در تعاونیهای زنان، روستایی ایران، ماهنامه علمی - اجتماعی، اقتصادی جهاد، سال بیست و پنجم شماره ۲۶۹.
۲. پور طرق، محمد (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای امور دام و صنایع روستایی استان هرمزگان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
۳. تاجریزی، الهام (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی های روستایی استان خراسان جنوبی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
۴. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۴)، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، انتشارات بازتاب، تهران.
۵. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی زنان، فصلنامه علمی - پژوهشی زنان، دوره ۱، شماره ۷، سال سوم.

۶. علیرضا نژاد، سهیلا (۱۳۷۳)، مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی، مطالعه فعالیتهای زراعی زنان روستایی گیلان، روستای گوهردان، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

۷. گودرزی، زیبا (۱۳۷۸)، نقش و جایگاه زنان در توسعه روستایی، مطالعه موردی: دهستان شیروان، بخش مرکزی شهرستان بروجرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۸. منصور فر، کریم (۱۳۷۶)، روشهای آماری در علوم اجتماعی، مؤسسه چاپ و تحقیقات دانشگاه تهران.

9. Jain S.P. and Win Polman (2003), A Handbook for Trainers on Participatory Local Development, FAO, Bangkok , Thailand.

10. Gabayan I. and L. Hakobian (1998), Rural Women Participation in Decision Making in Armenia, ECA, Armenia.

11. Mahmoudian, Hossein (2006), Socio-demographic Factors Affecting Women's Labor Force Participation in Iran 1976-1996, *Critical Middle Eastern Studies*, 15(3): 233 – 248.

12. Ugbomeh, George M.M. (2001), Empowering women in Agricultural Education for Sustainable Rural Development, *Community Development Journal*, 36(4): 290 – 300.